

اصلاح قیمت آری؛ تبعیض نه



حسین سلاش‌توری

فعال اقتصادی

تصمیم اخیر دولت درباره اصلاح قیمت بنزین، بر خلاف بسیاری از پیش‌بینی‌ها، هیچ موج اجتماعی خاصی ایجاد نکرد. نه هیاهویی شکل گرفت و نه اعتراضی جدی. بیشتر مردم واکنشی محتاط، اما منطقی نشان دادند؛ انگار جامعه داشت پیامی روشن می‌داد: «اگر تصمیمات و بازی‌ها منصفانه باشد، ما هم همراهیم.» همین رفتار، یک نشانه‌مهم است؛ نشانه اینکه جامعه ایران با اصل اصلاح قیمت مشکلی ندارد، مشکل مردم با تبعیض و امتیاز پنهان است. مردم سال‌ها تجربه کرده‌اند که اعداد و قیمت‌ها اصلاح می‌شود، اما همیشه یک مسیر فرعی برای عده‌ای خاص باز می‌ماند و همین احساس نابرابری است که هر اصلاحی را از درون پوک می‌کند. در ماجرای بنزین، خطر اصلی خود قیمت نیست؛ خطر واقعی جایی است که ممکن است کارت‌های سوختی شکل بگیرد که سهمیه اضافه یا دسترسی ویژه به بنزین ارزان داشته باشند؛ همان چیزی که در حوزه اینترنت با عنوان «سیم‌کارت سفید» رخ داد.

کافی است مردم حس کنند گروهی می‌توانند از مسیر دیگری عبور کنند و بار مالی را به بقیه منتقل کنند. جامعه افزایش قیمت را هضم می‌کند، اما تحمل تبعیض را هرگز. کارت سوخت سفید، حتی اگر تعدادش کم باشد، اعتماد مردم را به‌طور کامل از بین می‌برد و تجربه نشان داده که این اعتماد وقتی فرو ریخت، بازسازی‌اش تقریباً ناممکن است. دولت اگر واقعاً می‌خواهد مسیر اصلاح قیمت انرژی را ادامه دهد-ر بنزین، گازوئیل، برق و حتی نان-اول باید این تهدید را جدی بگیرد. جامعه ممکن است با افزایش تدریجی قیمت کنار بیاید، اما با کوچک‌ترین نشانه‌ای از امتیاز پنهان، کل پروژه از هم می‌پاشد. اعتماد مردم امروز مثل یک خط باریک است؛ قدم در مسیر درست برداشته شده، اما هر لغزش کوچکی می‌تواند آن را قطع کند. در چنین شرایطی، مهم‌ترین کار دولت این است که از همین حالا جلوی هرگونه شکل‌گیری «مسیر ویژه» را ببندد. این یعنی قبل از هر اعلامیه، قبل از هر مرحله بعدی، یک اصل ساده را به‌صورت عمومی

و شفاف اعلام کند: هیچ کارت اضافه‌ای صادر نمی‌شود، هیچ سهمیه ویژه‌ای وجود ندارد، و هر تغییری فقط از طریق مصوبه رسمی و قابل رؤیت عمومی انجام خواهد شد. در کنار این اصل، سیستم فنی هم باید کاملاً قفل باشد؛ یعنی حتی با دستور شفاهی یا نامه داخلی هم امکان شارژ مازاد کارت‌ها وجود نداشته باشد. فناوری باید جلوی دستکاری را بگیرد، نه فقط مقرر است.

از طرف دیگر، داده‌های کلی مثل تعداد کارت‌ها، مقدار سهمیه توزیع‌شده و روند مصرف باید ماهانه منتشر شود. جامعه لازم نیست بداند چه کسی چقدر می‌گیرد، اما باید بتواند تصویر کلی را ببیند تا شایعات نتواند افکار عمومی را تحریک کند. انتشار این داده‌ها ساده‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و مؤثرترین سپر در برابر بدبینی و بی‌اعتمادی است. حسابرسی مستقل هم یک ضرورت است. نظارت بر صدور کارت سوخت نباید در داخل دستگاهی باشد که خودش ذی‌نفع است. گزارش‌های فصلی یک نهاد مستقل می‌تواند خیال جامعه را راحت‌تر کند. فراموش نکنیم که سکوت در برابر ابهام، بدترین انتخاب است. ابهامی که توضیح داده نشود، خودش را تبدیل می‌کند به رانت فرضی، و رانت فرضی به سرعت تبدیل می‌شود به بحران واقعی. بخش دیگر ماجرا بر خورد با متخلفان است. اگر کسی کارت سفید صادر کند یا سهمیه غیرقانونی بدهد، باید نتیجه بر خورد با او علنی شود. فساد وقتی هزینه نداشته باشد، تکرثر می‌شود. مردم باید ببینند که هیچ‌کس حتی «نزدیکان قدرت»-حق ندارند از سهمیه ارزان، خارج از قاعده استفاده کنند. شفافیت این بر خروردها اعتماد را بازسازی نمی‌کند، اما حداقل جلوی سقوط بیشتر آن را می‌گیرد. همچنین، دولت باید مسیر گزارش مردمی را هم فعال کند. خیلی از فسادها را کارکنان داخل سیستم می‌بینند، نه نهادهای رسمی. یک خط امن و بی‌هویت برای گزارش تخلفات می‌تواند جلوی بسیاری از مشکلات را قبل از تبدیل شدن به بحران بگیرد.

در نهایت، به نظر می‌رسد که جامعه در این مرحله به دولت فرصت داده است؛ فرصتی که هر روز به دست نمی‌آید. اما این فرصت فقط یک شرط دارد: هیچ مسیر پنهانی، هیچ کارت سفید، هیچ سهمیه اضافه، مردم بار افزایش قیمت را تحمل می‌کنند، اما تحمل امتیاز پنهان را نه. اگر این یک اصل رعایت نشود، دولت می‌تواند با آرامش اصلاحات مرحله‌ای را ادامه دهد. اما اگر فقط یک نشانه کوچک از تبعیض دیده نشود، دیگر عدد قیمت مهم نیست؛ اعتماد مردم می‌شکند و این شکست برگشت‌پذیر نیست.

از میان پنجره

شکاف‌ها را عمیق‌تر از این که هست نکنیم



روزنامه‌نگار

مهرداد احمدی‌شیخانی

در دی‌ماه ۹۶ وقتی دولت حسن روحانی تصمیم گرفت صندوق‌های قرض الحسنه‌ای که اقتصاد کشور را گروگان گرفته بودند، در یک تصمیم حاکمیتی جمع کند، اعتراضاتی در شهر مشهد کُلید خورد که به سرعت در کشور گسترش یافت؛ اعتراضاتی که جز در یکی دو شهر بزرگ، مابقی در شهرهای کوچک اتفاق افتاد و همین هم عجیب بود که اگر قرار بر اعتراض باشد، زمینه‌های آن در شهرهای بزرگ فراهم‌تر بود نه در شهرهای کوچکی که همه یکدیگر را می‌شناسند و اتفاقاً کنترل اعتراضات بسیار ساده‌تر است. اعتراضاتی که گروه‌های برانداز خارج کشور بسیار تلاش کردند آن را به خود نسبت دهند، ولی از آنجا که هیچ وقت فراخوان‌های آنها برای تجمعات اعتراضی، حتی ۱۰ نفر را هم در هیچ کجا گرد هم نیاورد، آنها که باید بداندند، خودشان خوب متوجه بودند که آن رخداد، بر عکس تلاشی که بر خی داشتند تا به دخالت بیرونی نسبت دهند، هیچ هم چنین نبود و جناب آقای جهانگیری به‌عنوان معاون اول دولت‌های یازدهم و دوازدهم نیز بارها بر این تأکید داشته است؛ به‌خصوص که آن گستره کشوری و آن آغاز و پایان کاملاً مشخص که جز در یک شهر، همگی در یک روز شروع و در یک روز به اتمام رسید، حکایت از سازماندهی‌ای داشت که خوشبختانه برای سرنوشت کشور، براندازی نه حداقل در این جنگ ۱۲ روزه به روشنی نشان دادند که جز آویختن به دامن اسرائیل، توان تشکیلاتی دیگری ندارند، فاقد آن هستند و آن اعتراضات هر چه که بود، فقط دلالت بر این داشت که عده‌ای با سازماندهی، توانستند سوار بر نارضایتی غیرقابل انکار جامعه شوند؛ اتفاقی که به نوعی دیگر در آبان ۹۸ نیز رخ داد. نارضایتی‌ای که اگر منصف باشیم و نخواهیم خود را فریب بدهیم، شواهد و قرائن بسیاری برای آن وجود دارد و اتفاقاً در جنگ اخیر، دشمنان کشور روی آن بسیار حساب کرده بودند و خوشبختانه چکی که از این حساب کشیدند نقد نشد. اما نقد نشدن این چک در ۱۲ روز دلیل بر این نیست که حساب خالی باشد، که اتفاقاً حتی در این چند ماه پس از تجاوز دشمنان، اتفاقاتی رخ داده که سپرده این حساب را حتی افزون‌تر کرد، افزایش سپرده‌ای که اگر به آن بی‌توجه باشیم، خدای ناکرده می‌تواند روزی نقد شود، حسابی که بر خی آن را تعبیر به شکاف دولت-ملت می‌کنند و بیشتر شدن این شکاف، در عمل؛ نه به سود مردم است، نه ساختار و نه کشور و تنها راه کاستن از آن، ترمیم و افزایش سرمایه اجتماعی است؛ سرمایه‌ای که از سال ۹۶ تاکنون، مدام در حال کاسته شدن از آن است. یادداشت هفته گذشته‌ام در این ستون هم موضوعش همین سرمایه اجتماعی بود، اما آنچه که در همین یک هفته رخ داد، ریزش این سرمایه را حتی بیشتر از قبل کرد و البته صداهایی به گوش می‌رسد که حتی بیشتر از قبل به صدایی شبیه است که بر این صخره تیشه می‌زند و مشغول تراشیدن آن

تیتریک

HEADLINE ONE

۲



نگار: سایت حسن روحانی

با ارائه تحلیلی از شرایط کشور پس از جنگ ۱۲ روزه

روحانی: تکرار نشدن جنگ دست ماست

وجود ندارد، هوابیما بلند می‌شود و نزدیک ایران بنزین گیری می‌کند، مشکلی که ندارد، آسمان تا ایران برای دشمن کاملاً امن شده است. متأسفانه الان ما بازدارندگی گسترده نداریم، یعنی کشورهای همسایه ما عراق، سوریه، لبنان، اردن، همه این‌ها، فضایشان متأسفانه کاملاً در اختیار آمریکا و اسرائیل است. معنی‌اش این است که اگر ما بتوانیم به منطقه کمک کنیم، کمک‌به خودمان هم هست. اگر بتوانیم به استقلال کشورهای منطقه کمک کنیم، کمک‌به خودمان است.» روحانی با تحلیل شرایط بازدارندگی نظامی و امنیتی در جنگ ۱۲ روزه تأکید بر نقاط ضعف و قوت، ادامه داد: «اهداف اصلی دشمن این بود که با این نظام را تغییر بدهند یا به تعبیر خودشان این نظام را سرنگون کنند، یا اینکه در ایران بتوانند تمامیت ارضی ما را خدشه‌دار و کشور را تجزیه کنند. درست است که هر دو مسئله وظیفه نیروهای مسلح و دستگاه‌های اطلاعاتی است، اما عمدتاً ملت سینه سپر کرد که دشمن ناموفق بود. دشمن در هسته‌ای می‌خواست به ما ضربه بزند، که مقداری به ما ضربه زد، البته نتوانست به هدف صدرصدی که می‌خواست برسد، اما ضربه زد. در بحث موشکی می‌خواست به ما ضربه بزند، صدرصد نتوانست اما به ماضر به زد. می‌خواست سازمان دفاعی ما را آشفته کند و آشفتگی ایجاد کند، این را موفق نشد. چرا فرماندهان را در اولین لحظه مورد هدف قرار دادند؟ زدن فرماندهان در لحظه اول برای ایجاد آشفتگی بود. چون نفر بعدی نمی‌داند چه کار باید بکند؟ اصلاً برنامه قبلی چه بوده؟ این فرمانده بوده که برنامه‌ریزی و کار و تلاش کرده و الان نیست. ولی در اینجا ناموفق بودند یعنی کاری که رهبری معظم انقلاب انجام داد در ساماندهی فوری و سریع، در همان ساعات‌های اولیه، ساماندهی پرگشت.»

▼ مردم باید احساس رضایت داشته باشند

او ادامه داد: «البته هدف اصلی ما این است که تمامیت ارضی این کشور، انسجام ملی، امنیت ملی، منافع ملی، مصالح ملی، ارزش‌های فنی و ملی ما هم حفظ شود، اهداف اساسی ما این‌هاست. اگر می‌خواهیم این اهداف اساسی را به خوبی حفظ کنیم، همچنان باید در خط مقدم مردم سینه سپر کنند. نباید فکر کنیم که در آن ۱۲ روز مردم ایستادند پس اگر ۱۲ روز دیگری اتفاق بیفتد باز هم مردم می‌ایستند. باید کار و تلاش کنیم تا مردم احساس رضایت کنند، هر مقدار مردم نسبت به مشروعبیت و مقبولیت نظام، باور بیشتری داشته باشند، محکم‌تر می‌ایستند. هر بخشی از مشروعبیت و مقبولیت ما اگر زیر علامت سؤال قرار بگیرد آن ایستادگی ضعیف می‌شود. درست است ما به مردم می‌گوییم در کشور مشکلات داریم و باید مقاومت کنید ولی خودمان باید قدم اول را برداریم. خودمان که می‌گوییم یعنی همه، یعنی دولت، حاکمیت، همه علاقمندان به نظام.» رئیس‌جمهور پیشین کشور مان تأکید کرد: «گفته‌می‌شود که تلاش سیاسی و دیپلماتیک الان خیلی پیچیده است. درست است، سخت و مشکل است، اما آیا بن‌بست کامل است؟ ما نمی‌توانیم این را بقبول کنیم. در دنیای سیاست بن‌بست کامل خیلی به ندرت اتفاق می‌افتد. ما باید تلاش مضاعف کنیم مسئله را حل و فصل کنیم. ممکن است حل آن طولانی و سخت باشد، ولی امکان‌پذیر است. فکر نکنیم همه مشکلات تمام شده است. بله، در جنگ ۱۲ روزه ما ایستادگی و مقاومت کردیم ولی ضربه هم دیدیم و مشکلات داشتیم. البته ضربه به دشمن هم زدیم. اما معنایش این نیست که دیگر تکرار نمی‌شود. تکرار نشدنش دست ماست. یعنی اگر ما در جامعه وحدت و انسجام ملی‌مان را به خوبی حفظ کنیم، در آن شرایط ما می‌توانیم در برابر دشمن ایستادگی کنیم.» روحانی با یادآوری اهمیت محاسبه قدرت خودی در برابر قدرت دشمن، گفت: «اگر به دروغ بگوییم که ما قدرت بزرگی هستیم و همه چیز داریم و طرف مقابل ما بدبخت و ضعیف است و چیزی ندار، این خطرناک است. شاید بالاترین خیانت به رهبران یک جامعه این است که ما محاسبه نادرست را در برابر آن‌ها بگذاریم. مسئولین نباید به راحتی گوش کنند به حرف مسئولان پایین‌دست، در همه جا این مسئله صادق است.»

▼ دو مثال از گزارش‌های نادرست

او تأکید کرد: «در داستان کرونا به ما گفتند شما اصلاً دنبال خرید واکسن نباشید، چون یک آقایی گفته بود من تا چند ماه دیگر مثلاً تا اول تابستان ۵۰ میلیون دوز واکسن به شما می‌دهم. ما در جلسه ستاد ملی کرونا وقتی موضوع خرید واکسن را مطرح کردیم، یکی دو نفر از عزیزان به من اعتراض کردند و گفتند شما برای چه می‌خواهید واکسن بخرید؟ در آن جلسه می‌خواستیم خرید

گروه خبر: رئیس‌جمهور پیشین کشور مان، با جمعی از وزرا و معاونین خود در دولت‌های یازدهم و دوازدهم دیدار کرد. حسن روحانی در این دیدار که پنجم آذر ماه برگزار شد، به تحلیل شرایط کشور پس از جنگ ۱۲ روزه پرداخت.

▼ باید از شرایط «نه جنگ، نه صلح» عبور کنیم

روحانی با بیان اینکه با گذشت پنج ماه از جنگ ۱۲ روزه، کار چندانی نسبت به عبور از شرایط «نه جنگ، نه صلح» انجام نداده‌ایم، تأکید کرد: «احساس امنیت در کشور وجود ندارد، حالا اینکه خود امنیت هست یا نیست یک مقوله دیگری است. زمانی که مردم احساس امنیت ندارند اصولاً اینکه رشد اقتصادی داشته باشیم، تورم را پایین بیاوریم، سرمایه‌گذاری کنیم، خیلی معنا و مفهومی ندارد. این احساس ناامنی، ناامنی روحی، ناامنی جامعه، ناامنی فکری، ناامنی ذهنی وجود دارد. از بحث حمله پیش‌دستانه که عبور کنیم، اساس امنیت ملی در همه کشورها، بحث بازدارندگی است. یعنی ما باید کاری کنیم که دشمن حمله را آغاز نکند، اگر هم حمله را آغاز کرد باید قدرت دفاعی آنچنان مؤثر باشد که در زمان کوتاهی بتوانیم جلوی خسارت‌ها را بگیریم و جنگ را پایان بدهیم.» او با تأکید بر اهمیت بازدارندگی سیاسی و ذکر مثالی درباره شرایط پس از رخ دادن حمله تروریستی به پایگاه نیروهای آمریکایی بر ج‌های خُبر عربستان در در سال ۱۳۷۵ گفت: «در سال ۷۸ در زمان کلینتون، آمریکایی‌ها اتهام ماجرای انفجار در خُبر را طبق بررسی که FBI انجام داده بود می‌خواستند به ایران منتسب کنند و صریحاً اعلام کردند که ایران را باید مورد حمله موشکی قرار دهیم. در ایران مبنای ما این شد که در برابر حمله موشکی چگونه دفاع کنیم و چه اقدامی کنیم؟ می‌توانیم دفاع کنیم یا نه؟ پاسخ ما چه باشد؟ یک بخشی از بحث‌های شورای عالی امنیت ملی و دبیر خانه، در آن مقطع این بود. بلافاصله فعالیت سیاسی و دیپلماتیک را شروع کردیم، لذا از طرق مختلف برای عربستان پیام دادیم.» روحانی با تشریح مذاکرات خود به عنوان نماینده ایران و امیر عبدالله نایف، نماینده عربستان در اردیبهشت ۱۳۷۸ ادامه داد: «ما بیش از ۷ ساعت در عصر و شب مذاکره کردیم و در نهایت به تفاهم رسیدیم. در ۵ بندی که می‌خواستیم به تفاهم برسیم، در همه آن ۵ بند به تفاهم رسیدیم. این داستان مربوط به اردیبهشت سال ۷۸ یعنی ۷۸/۲/۱۸ است. در پایان مذاکرات آقای نایف ور کرد به دو نفر گفت شما بنشینید یک متن را برای تفاهم‌نامه امنیتی بنویسید و آن متن را بدهید به فلاتی یعنی من و هر متنی که ایشان امضا کردند من آن را امضا خواهم کرد و پیش من نیاورید. خب این کار شد و تفاهم‌نامه امنیتی امضا شد. بعد آمدیم در فرودگاه جده. ایشان در فرودگاه در حضور خبرنگاران اعلام کرد در ماجرای خُبر همسایگان ما دخالتی نداشتند، این همان چیزی بود که ما می‌خواستیم عربستان اعلام کند.» رئیس‌دولت‌های یازدهم و دوازدهم تأکید کرد: «در همین ماجرای جنگ ۱۲ روزه پیشگیری و بازدارندگی آن به نظر من خیلی آسان بود. متأسفانه فرصت‌هایی بود که درست از آن‌ها استفاده نشد، حالا من نمی‌خواهم وارد این مسئله شوم، اگر در فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۰ به برجام برمی‌گشتیم و برجام عملیاتی می‌شد جنگ ۱۲ روزه دیگر معنی نداشت، اسنب‌بک دیگر معنی نداشت، شرایط دیگری می‌بود، اسرائیلی‌ها و دشمنان ما در دنیا و آمریکایی‌ها موضوع هسته‌ای را متأسفانه امنیتی کردند.»

▼ برجام احیا می‌شد، جنگ رخ نمی‌داد

روحانی با انتقاد از امنیتی کردن فضا به جای تأمین امنیت در عرصه‌های مختلف داخلی، ادامه داد: «اینکه پرونده ما از آژانس و وین به نیویورک و شورای امنیت رفت و به فصل ۷ رفت قطعاً همه‌ها علیه ما صادر شد یعنی هسته‌ای را امنیتی کردند. برجام خاصیتش چه بود؟ در کنار صدها خاصیت که من الان نمی‌خواهم آن‌ها را توضیح بدهم، اولین خاصیت برجام این بود که امنیت هسته‌ای برای ما به وجود آورد، به جای اینکه هسته‌ای امنیتی باشد. برای فناوری هسته‌ای امنیت درست کرد. اگر برجام می‌بود جنگ ۱۲ روزه نداشتیم. کسی بهانه نداشت که بخوابد به ما حمله کند، بهانه‌ها از دشمنان سلب می‌شد. حالا البته ممکن است کسی بگوید به دلیل دیگر، با بهانه دیگر ممکن بود حمله کنند ولی فعلاً با این بهانه به ما حمله کردند.»

او با تأکید بر بحث بازدارندگی منطقه‌ای و تغییر شرایط در کشورهای منطقه گفت: «اسرائیل تا مرز ما، در فضا و آسمان بی‌دفاع و آزاد حرکت می‌کند. می‌گویند اسرائیل چقدر فاصله دارد با ایران، امروز دیگر بحث فاصله نیست، در مسیر هر وقت لازم باشد با تانکر هوایی سوخت لازم را می‌گیرد و دیگر مشکل مسافت